

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۴، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴۹، تابستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

صص: ۲۳-۱

شناخت و ارزیابی عوامل زمینه‌ساز بر ساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی

(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)

ابوالفضل اشرفی^۱، رضاعلی محسنی^{۲*}، طهمورث شیری^۳

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

شکل‌گیری هویت اجتماعی مستلزم عوامل زمینه‌ساز آن در نظام اجتماعی است. شناخت و بررسی این موضوع، در این پژوهش بر اساس چهارچوب نظری با رویکرد تحلیلی و ترکیبی جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی در سطوح کلان، خرد و تلفیقی انجام شده است. مسئله اصلی که در نمونه آماری ۴۴۵ نفری دانشجویان دانشگاه تهران با روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌ای از جوانان آزمون شده، این است که آیا نظام اجتماعی در جامعه ما از طریق عوامل زمینه‌ساز بر ساخت هویت اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثری داشته است؟ روش پژوهش، پیمایشی و کمی بوده که علاوه بر استفاده از روش اعتبار سازه‌ای (تحلیل عامل و پیش‌آزمون) از روشهای کیفی اعتبار محتوایی و پرسشنامه همراه با مصاحبه نیز بهره برده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته تبلت-محور با روایی و پایایی بالا بوده است. داده‌ها بر اساس آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای و دوجمله‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و یافته‌ها مؤید کسب آماره (۲۱/۴۵) $T=$ معطوف بر تأیید فرضیه اصلی مبنی بر این است که عوامل زمینه‌ساز بر ساخت هویت اجتماعی در جامعه ما در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثری نداشته است. نتایج پژوهش منجر به شناسایی و معرفی عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت اجتماعی در نظام اجتماعی همراه با ارائه شاخص‌های سنجش آن و تأیید میدانی آن‌ها گردید.

کلیدواژه: «هویت اجتماعی، نظام اجتماعی، عوامل زمینه‌ساز هویت اجتماعی، جوانان»

مقدمه

مفهوم هویت از مقوله‌های مهم و پر دامنه‌ای است که در دهه‌های اخیر مورد توجه حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته است (باتامور و آوتویت،^۱ ۱۳۹۲: ۹۵۴). امروزه این مفهوم اهمیت فراوانی پیدا کرده است؛ تا جایی که فوکویاما^۲ اخیراً مدعی شده است جنبش‌های هویت‌گرا، نظام لیبرال دموکراسی را در جهان با تهدید مواجه کرده‌اند (فوکویاما، ۲۰۱۸). با این وجود، بیشتر مطالعات انجام‌شده در این حوزه بر پایه پیش‌فرض‌ها، ذهنیات و گرایش‌های خاص به‌جای الزامات نظریه‌ای و کاربردی (صدیق سروستانی و حاجیان، ۱۳۸۷: ۳۲) و به‌صورت مصداقی بوده است؛ در حالی که هویت، به‌ویژه هویت اجتماعی، شکل‌گیری ذاتی ندارد بلکه به‌صورت اجتماعی برساخته شده و به‌عنوان یک پدیده اجتماعی تحت تأثیر فرایندهای ساختار اجتماعی با درک متفاوت از ریشه‌ها، سازوکارها و رویکرد روش‌شناختی و تفسیر نتایج متفاوت قرارداد (کُرسِتِلینا^۳، ۲۰۰۷: ۱۵-۱۸). مسئله اصلی و قابل طرح که در اغلب مطالعات انجام‌شده مغفول مانده است، چگونگی شکل‌گیری فرایند هویت اجتماعی به‌عنوان مفهومی چندمصداقی و شناخت عوامل زمینه‌ساز آن است. بر این اساس، پژوهش حاضر پس از شناخت و تحلیل نظری عوامل زمینه‌ساز هویت اجتماعی، به منظور ارزیابی میدانی آن به دنبال این پرسش است که هویت اجتماعی جوانان در جامعه ما بر اساس عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی چگونه شکل گرفته است. دست‌یابی به پاسخ این پرسش، مستلزم مطالعه‌ای فرامکتبی (تحلیلی)^۴ با رویکردی تلفیقی از دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف در علوم اجتماعی است. بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش ترکیبی رویکرد کارکردگرایی ساختاری انسجامی با نگرش سیستمی و کلان در جامعه‌شناسی به ویژه نظریه پرداز مشهور آن؛ تالکوت پارسنز^۵ به‌عنوان رویکرد مبنایی و رویکردهای نظری روانشناسی اجتماعی به همراه تحلیل‌های سطوح میانی؛ به ویژه نظریه تجزیه و تحلیل ساختاری هویت پیتر بارک^۶ و نظریه‌های سطوح خرد درباره هویت اجتماعی در پی شناخت و ارزیابی عوامل زمینه‌ساز هویت اجتماعی در نظام اجتماعی بر اساس تحلیل‌های نظری و ارزیابی میدانی آن در نمونه موردی از جوانان ایرانی در دانشگاه تهران است.

مهم‌ترین اهداف پژوهش عبارت‌است از: شناسایی عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت اجتماعی در نظام اجتماعی، ارائه شاخص‌ها و گویه‌های سنجش آن و ارزیابی نقش عوامل زمینه‌ساز هویت اجتماعی در نظام اجتماعی بر اساس مطالعات میدانی در نمونه آماری از جوانان ایرانی در دانشگاه تهران.

۱. Bottomore & Outhwaite

۲. Fukuyama

۳. Korostelina

۴. این مفهوم در مقابل مفهوم بسته و محدود مکتبی که در دیدگاه خاص نظری نسبت به موضوعات جامعه‌شناختی ارائه شده است، اعتقاد به تحلیل‌های

چندگانه و هم‌فراخوان از پدیده‌ها و موضوعات جامعه‌شناختی فارغ از یک رویکرد خاص نظری دارد (تنهایی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۰).

۵. Talcott Parsons

۶. Peter J. Burke

پیشینه پژوهش

به‌منظور آشنایی با نتایج و یافته‌های نظری و تجربی پژوهش‌های مرتبط با موضوع، بررسی همه‌جانبه‌ای در دو حوزه منابع فارسی و انگلیسی درباره مفاهیم هویت، هویت اجتماعی و نظام اجتماعی انجام شده است. بررسی یافته‌ها و نتایج صدها پژوهش نظری و کاربردی مطالعه شده، حاکی از این واقعیت است که در عمل نگرش به مقوله هویت اجتماعی با سه دیدگاه متفاوت انجام شده است:

۱) برخی مطالعات، برداشت از هویت اجتماعی را به مفهوم هویت جمعی تقلیل داده‌اند: در این دیدگاه، هویت به صورت مشخص و شفاف تعریف نشده و دارای ابهام است (استرایکر^۱ و بارک^۲، ۲۰۰۰: ۲۸۴-۲۹۷). مطالعه آزاد ارمکی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بدن به مثابه رسانه هویت و چندین مطالعه میدانی محمد عبدالهی با رویکردی جامعه‌شناختی به مطالعه مبانی ذهنی و عینی هویت جمعی و مکانیسم تحول آن در ایران (۱۳۷۵) در این مجموعه قرار دارند.

۲) برخی مطالعات، هویت اجتماعی را به‌عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی یا بعضاً به معنای آن در نظر گرفته‌اند. بزرگ‌ترین ایراد این رویکرد، تقلیل‌گرایی نظری آن است. مطالعات احمد اشرف (۱۳۷۳)، داریوش شایگان (۱۳۸۶)، داوود میرمحمدی (۱۳۸۳)، عماد افروغ (۱۳۷۸)، محمدرضا تاجیک (۱۳۷۹)، ناصر فکوهی (۱۳۸۹)، رحمت‌الله صدیق‌سروستانی و ابراهیم حاجانی (۱۳۸۷) در این مجموعه قرار می‌گیرد.

۳) برخی مطالعات، با توجه به رویکردهای روانشناسی و روانشناسی اجتماعی، با نگرشی جامعه‌شناختی از هویت اجتماعی سخن گفته‌اند. این دیدگاه، هویت اجتماعی را به‌عنوان مفهومی مستقل در ساختارهای اجتماعی مطرح کرده است (اوتی^۳، ۲۰۰۶: ۶۴۰). مطالعات این دیدگاه بیشتر انتزاعی بوده و از جامعیت محتوای کاربردی برخوردار نیست. نمونه‌هایی از مطالعات این مجموعه عبارتند از: روح‌الله رضوانی (۱۳۹۳)، محمد شارع‌پور و خوش‌فر (۱۳۸۱)، عبدالهی و قادرزاده (۱۳۸۸)، بهزاد دوران (۱۳۸۷)، جواد سوری (۱۳۸۷)، ابوالفضل اشرفی (۱۳۷۷)، استف لالر^۴ (۲۰۱۵)، جاسپل و بریکول^۵ (۲۰۱۴)، ویلیام رابینز^۶ (۲۰۰۹)، فیلیپ ریلی^۷ (۲۰۰۷)، وینریچ و ساندرسون^۸ (۲۰۰۵)، استس و سوشیما^۹ (۲۰۰۱)؛ پیتر بارک (۱۹۹۷، ۱۹۹۶، ۱۹۹۱) و ریچارد جنکینز^۹ (۱۹۹۶).

نقد و بررسی کلی رویکردها و دیدگاه‌های مطرح‌شده حاکی از این واقعیت است که مطالعات انجام‌شده بیشتر منحصر به دیدگاه مکتبی خاص حاکم بر آن مطالعات بوده و تقریباً هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌شده به‌صورت مشخص و کاربردی به نقش و تأثیر عوامل فرامکتبی جامعه‌شناختی در شکل‌گیری هویت اجتماعی به‌عنوان یک فرایند

۱. Strikers

۲. Oatey

۳. Steph Lawler

۴. Jaspal & Breakwell

۵. Williams Robins

۶. Philip Riley

۷. Peter Weinreich & Wendy Saunderson

۸. Stets & Tsushima

۹. Richard Jenkins

هم‌فراخوان نپرداخته‌اند درحالی‌که پژوهش حاضر بر اساس چهارچوب نظری تحلیلی و ترکیبی دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی بر اساس رویکرد کارکردگرایی ساختاری انسجامی در سطح کلان به ویژه نظریه پرداز مشهور آن؛ تالکوت پارسنز به‌عنوان رویکرد مبنایی و رویکردهای نظری روانشناسی اجتماعی به همراه تحلیل‌های سطوح میانی؛ به ویژه نظریه تجزیه و تحلیل ساختاری هویت پیتر بارک و نظریه‌های سطوح خرد درباره هویت اجتماعی به دنبال طرحی متفاوت و فرامکتبی به‌صورت واقعی - در مقابل رویکردهای عمدتاً انتزاعی مطروحه - در شناخت نظری عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت اجتماعی در نظام اجتماعی و ارزیابی کاربردی آن از طریق آزمون میدانی است.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

مسئله اصلی پژوهش عبارت است از:

آیا نظام اجتماعی ما از طریق عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثری داشته است؟
مسئله‌های ویژه عبارت‌اند از:

- ۱) آیا نظام سیاسی در جامعه ما از طریق طراحی نظام‌های آموزشی، در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش مؤثر داشته است؟
- ۲) آیا رسانه‌های جمعی حاکمیتی در جامعه ما در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش تعیین‌کننده داشته‌اند؟
- ۳) آیا نقش مشارکت عمومی و سیاسی از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک، در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی ما تعیین‌کننده بوده است؟
فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از:
به نظر می‌رسد نظام اجتماعی ما از طریق عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثری نداشته است.
فرضیه‌های فرعی عبارت‌اند از:

- ۱) به نظر می‌رسد نظام سیاسی در جامعه ما از طریق طراحی نظام‌های آموزشی، در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش مؤثر نداشته است.
- ۲) به نظر می‌رسد رسانه‌های جمعی حاکمیتی در جامعه ما در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش تعیین‌کننده نداشته‌اند.
- ۳) به نظر می‌رسد نقش مشارکت عمومی و سیاسی از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک، در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی ما تعیین‌کننده نبوده است.

تعریف مفاهیم

- هویت اجتماعی:

تعریف هویت اجتماعی که متناسب با وضعیت اجتماعی کنشگران یک گروه یا جامعه مشخص می‌شود (کوش،^۱ ۱۳۹۰: ۱۴۸) عبارت است از: تصور، درک و ارزیابی فرد نسبت به خود از منظر دیگران یا جامعه که از طریق ساختار نظام اجتماعی بر اساس ارزشیابی، تأیید یا رد شدن، بر افراد تحمیل می‌شود (لالر، ۲۰۱۵: ۱۳۹) و در فرایند اجتماعی شدن و ارتباط با گروه‌ها یا نهادهای اجتماعی موجود در نظام اجتماعی، فرد آن را کسب می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و متناسب به آن می‌داند و در نتیجه آن، احساس می‌کند از منظر نظام اجتماعی دارای جایگاه، ارزش و احترام است (کروگر،^۲ ۲۰۱۹: ۹؛ بارک، ۱۹۹۱: ۸۳۶) و به همین سبب، در مقابل معیارها و ارزشهای نظام اجتماعی خود، احساس تعهد و تکلیف می‌کند و در امور مختلف آن مشارکت می‌جوید و انتظارات آن از خود را پاسخ می‌دهد (داریتی،^۳ ۲۰۰۸).

- نظام اجتماعی

مراد از نظام اجتماعی بر اساس نظریه پارسنز عبارت است از ابزار و چشم‌اندازی مطلقاً تحلیلی یا انتزاعی و نوعی شیوه درک واقعیت که از طریق ایجاد همبستگی، وفاداری به اصول را به وجود می‌آورد و حدود آزادی عمل را تعیین می‌کند و شامل مجموعه کنشهای متقابل یا الگوی تعاملی برآمده از نقشها، پایگاهها، انتظارات و هنجارهای اجتماعی در عرصه‌های مختلفی نظیر خانواده، حزب، دانشگاه، مؤسسه و ... است که در آن، کنشگران با هم در ارتباط‌اند و متقابلاً روی هم اثر نهاده، به شیوه‌ای جمعی عمل می‌کنند (ترنر،^۴ ۱۹۹۸: ۳۲-۳۰).

- برساخت هویت اجتماعی

مفهوم برساخت هویت اجتماعی، برگرفته از نظریه جامعه‌شناختی برساخت‌گرایی اجتماعی^۵ است. برساخت‌گرایان اجتماعی، تغییر و تکامل یک پدیده را بسته به زمینه اجتماعی آن بررسی می‌کنند و رشد انسان را به صورت اجتماعی و محصول کنش متقابل اجتماعی می‌دانند (بوفوسین،^۶ ۲۰۰۱: ۸-۶). به‌زعم کوش از آن‌جا که هویت اجتماعی در کنش متقابل و فرایند ارتباطی هم‌فراخوان با نظام اجتماعی شکل می‌گیرد، نقش عناصر و نهادهای نظام اجتماعی به‌ویژه نظام‌های سیاسی، آموزشی و رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی و برساخت آن در نظام اجتماعی بسیار تعیین‌کننده است. زیرا قدرت در شکل‌گیری هویت نقش اساسی دارد (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۴)، هویت موضوع دولتی و دولت ارائه‌کننده هویت است و برای آن مقررات و نظارت‌هایی برقرار می‌کند (کوش، ۱۳۹۰: ۱۵۲). این رویکرد در نظریه نظام اجتماعی پارسنز با این فرض مورد تأکید است: «تصویری که فرد از خود می‌سازد و

۱. Koush

۲. Kroger

۳. Darity Jr

۴. Turner

۵. Social constructivism

۶. Boghossian

احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرش دیگران نسبت به او است که از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی گروهی در خلال عمل اجتماعی دائماً ساخته شده و از طریق هم‌فراخوانی^۱ درونی و برونی‌شناسایی در نظام اجتماعی حاصل می‌شود» (زیتلن،^۲ ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۳).

مبانی نظری تحقیق

در مطالعات نظری رویکرد ترکیبی پژوهش برای تحلیل فرامکتبی بررسی و شناخت عوامل زمینه‌ساز بر ساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی از نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی با تکیه بر رویکرد سیستمی کارکردگرایی ساختاری و نظریه‌های روانشناسی اجتماعی با تکیه بر رویکرد تجزیه و تحلیل ساختاری هویت در قالب رویکردهای سه گانه نظری سطوح کلان، خرد و میانی (تلفیقی) استفاده شده است.

رویکردهای نظری سطح کلان

دیدگاه‌های نظری در این سطح به طور عمده مبتنی بر رویکردهای سیستمی نظریه‌های کارکردگرایی ساختاری و تجزیه و تحلیل ساختاری هویت است. در پیش‌فرض‌ها و اصول اصلی نظریه‌های رویکرد کارکردگرایی ساختاری، نقش تعیین‌کننده نظام اجتماعی را در تعیین ساختاری و کارکردی زمینه‌های شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد به روشنی می‌توان مشاهده کرد. مهم‌ترین پیش‌فرض رویکرد سیستمی کارکردگرایی ساختاری، تأکید بر عاملیت، فشار سیستم و سعی در حفظ تمامیت سیستم است (تنتهایی، ۱۳۹۲: ۲۵۲) و شرط دوام نظام اجتماعی را در تأمین کارکردهای اساسی و ضروری جامعه می‌داند. بر اساس نظر پارسنز، نظام اجتماعی به انجام وظایفی برای بقا گرایش دارد که ساختهای اجتماعی وظیفه‌ پاسخ دادن به نیازهای آن را دارند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲۷؛ ترنر، ۱۳۸۲: ۳). در این رویکرد، ضرورت‌های کارکردی به عنوان مهم‌ترین شرط بقای هر جامعه، در گرو در اختیار داشتن ساختارها و کارکردهای ضروری و نیاز به اجتماعی کردن اعضایش است. بر اساس نظر پارسنز، تمایلات نیازی افراد، آنان را به نظام اجتماعی پیوند می‌دهد و نظام اجتماعی نیز وسایل برآورده شدن تمایلات را برآورده می‌سازد (ریتزر،^۳ ۱۳۸۶: ۱۳۷-۱۲۷).

وینریچ و ساندرسون بر اساس رویکردهای روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، چارچوب مفهومی «تجزیه و تحلیل ساختاری هویت» را ارائه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه درباره هویت برجسته است، ارزیابی و تفسیر افراد از وقایعی است که در آن شرکت و آنها را با دیگر افراد و نهادهای اجتماعی شناسایی می‌کنند و از این طریق، به تصویری از هویت خود دسترسی پیدا می‌کنند و به این سبب، درک درست یا نادرستی از جامعه، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ، قومیت، جنسیت و خود برای فرد فراهم می‌شود (وینریچ و ساندرسون، ۲۰۰۵: ۱). ساختار جامعه نقش تأثیرگذاری در خلق و شکل‌دهی هویت دارد؛ به طوری که هویت را می‌توان نوعی سازگاری با بافت اجتماعی - فرهنگی دانست (کُت و لوین،^۴ ۲۰۱۴). در دیدگاه کارکردگرایی ساختاری، هویت در ارتباط با شرایط و عوامل

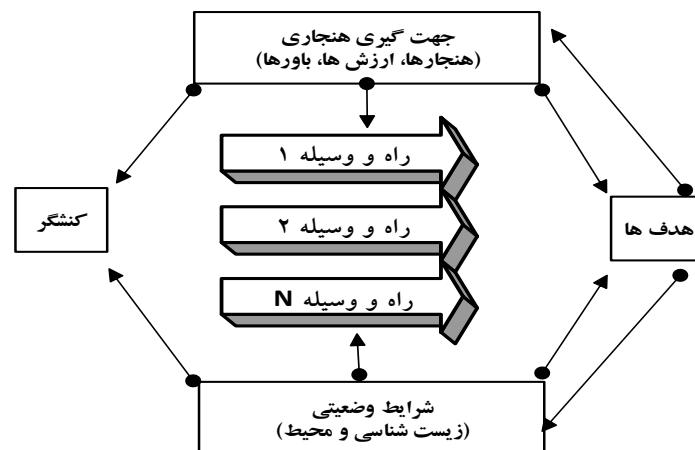
۱. Dialectic

۲. Zeitlin

۳. Ritzer

۴. Cote & Levine

تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحلیل شده است (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۳). مهم‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه با تحلیلهای زمینه‌ساز ساختاری برساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی عبارتند از: امیل دورکهم،^۱ رابرت مرتن،^۲ تالکوت پارسنز، مانوئل کاستلز،^۳ استوارت هال،^۴ پیتر برگر و توماس لاکمن. از نظر دورکهم، مهم‌ترین صورت اختلال هنجاری اثرگذار در عدم برساخت هویت اجتماعی، بی‌هنجاری است و هنگامی ایجاد می‌شود که افراد به دلیل تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی و عدم تناسب هنجارهای فرهنگی با ساخت اجتماعی، هیچ هنجار مسلطی را در جامعه نمی‌شناسند و قبول ندارد (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). مرتن نیز در این باره معتقد بود هر یک از ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، نقش یا کارکردی را ایفا می‌کنند؛ به این معنا که ساختار فرهنگی جامعه مروج ارزشهای فرهنگی یا اهداف جامعه است و ساختار اجتماعی، وسایل دستیابی یا راههای وصول به اهداف یا فرصتهای اجتماعی را تعیین می‌کند (مرتن: ۱۹۳۸). نظریه‌های کلان‌نگر و ساختارگرایی کنش و نظام اجتماعی پارسنز نیز نشان از برساخت نظام اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد دارد. شکل ۱، نشان‌دهنده این فرایند در قالب عملکرد کنشگر در نظام اجتماعی است (همیلتون، ۲۰۱۱: ۷۱؛ کرایب، ۱۳۹۷: ۵۶).



شکل ۱: اجزای واحد کنش در نظام اجتماعی

بر اساس شکل ۱، از نظر پارسنز در نظام اجتماعی، یک کنشگر از میان راهها و وسایل مختلف، یک راه و وسیله را برای رسیدن به اهدافش در زندگی، تحت تأثیر هنجارها، باورها، ارزشها و به عبارتی، شرایط جامعه‌پذیری و متناسب محیطی و زیستی انتخاب می‌کند (همیلتون، ۲۰۱۱: ۷۱). نظام اجتماعی نیز وظیفه دارد شرایط لازم برای تحقق اهدافی که برای جامعه مفید است و کنترل اجتماعی را فراهم کند تا به هر طریق ممکن، افراد را موافق و همسوی با نظام اجتماعی سازد (کرایب، ۱۳۹۷: ۵۷) تا کنشگران در تعقیب منافع خاص خود، در جهت منافع کل نظام عمل کنند. به

۱. Emile Durkheim
 ۲. Robert Merton
 ۳. Manuel Castells
 ۴. Stuart Hall
 ۵. Hamilton
 ۶. Craib

تعبیر پارسنز، «ترکیب الگوهای جهت‌گیری ارزشی که باید تا اندازه زیادی کارکردی از ساختار بنیادی نقشها و ارزشهای مسلط نظام اجتماعی باشد، [توسط کنشگر در حین اجتماعی شدن] حاصل می‌شود» (پارسنز، ۲۰۰۵: ۲۲۷). پارسنز در تحلیل روان‌شناختی کنش اجتماعی نیز معتقد است شخصیت، نیازمند حمایت نظام اجتماعی است و نظام اجتماعی هم در شخصیتها باید تأیید و تصویب شود. شخصیت از راه نقش اجتماعی در نظام اجتماعی حضور پیدا می‌کند و بُعدی از شخصیت را می‌سازد که می‌توان هویت اجتماعی شخص نامید (روشه،^۱ ۱۳۹۴: ۱۶۴-۱۶۲).

مانوئل کاستلز، هویت را امری مربوط به متن و زمینه اجتماعی می‌داند که بر ساخته می‌شود و سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. بر ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد؛ یعنی ممکن است هویتها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آنها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی‌سازی، مطابق با الزامات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی- مکانی آنها دارد، بیافرینند و از نو تنظیم کنند (کاستلز، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۲). استوارت هال نیز معتقد است ساختن هویت اجتماعی از کارکردهای قدرت و هدف آن حفظ قدرت و کنترل کردن آن است (هال و دوگی،^۲ ۲۰۱۲: ۱۷-۵). به نظر برگر و لاکمن، هویت یکی از اجزای اصیل واقعیت ذهنی است که پیوندی هم‌فراخوان با جامعه دارد. هویت در اثر فرایندهای اجتماعی تشکیل می‌شود و پس از متبلور شدن باقی‌می‌ماند، تغییر می‌کند یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی، از نو شکل می‌گیرد. فرایندهای اجتماعی‌ای که هم در تشکیل هویت و هم در حفظ آن دخیل‌اند، بر حسب ساختار اجتماعی تعین می‌یابند (برگر و لاکمن، ۱۳۹۳: ۲۴۰-۲۳۶)

رویکردهای نظری سطح خرد

مبانی نظریه‌های هویت در این سطح، ریشه در آراء نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین دارد. دیدگاه کنش متقابل نمادین به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های مسلط روان‌شناسی اجتماعی و مورد اقبال جامعه‌شناسان تلاش دارد بنیان‌های نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه نماید (هوارد،^۳ ۲۰۰۰). به‌زعم استرایکر، روان‌شناسان اجتماعی، بر این فرضیه تکیه‌دارند که ساختار اجتماعی و فرد به‌صورت متقابل، یکدیگر را محدود می‌کنند (برند،^۴ ۲۰۰۴: ۲۳) از این‌رو، سنت جامعه‌شناختی نظریه هویت، بیش از همه به تعامل‌گرایی نمادین پیوند خورده است (شارع پور و خوش‌فر، ۱۳۸۰: ۶، ۵۴). این دیدگاه بر نقش عوامل ذهنی و نمادین در بر ساخت هویت جمعی (اجتماعی) تأکید دارد (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۶) و شکل‌گیری هویت اجتماعی را نتیجه سازوکارهای تعاملی می‌داند (وودوارد،^۵ ۲۰۰۰: ۱) که تحت تأثیر ارزشها، ساختها، قواعد، نظامهای کنترل اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی است (ریترز، ۱۳۸۶:

۱. Roche

۲. Du Gay

۳. Howard

۴. Bernd

۵. Woodward

۱۸۲). مهم‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه در ارتباط با شکل‌گیری هویت اجتماعی عبارتند از: کولی،^۱ مید،^۲ گافمن^۳ و روسنبرگ^۴.

مفاهیم مید و کولی نشان می‌دهد شکل‌گیری «خود» که هویت اجتماعی افراد از طریق آن ایجاد می‌شود، مقوله‌ای ضرورتاً اجتماعی است که در جامعه توسط نقش‌های مردم در فرایند تعامل حاصل شده است (وینریچ و ساندرسون، ۲۰۰۵: ۱۰). مسئله اجتماعی گافمن با تقسیم‌بندی واژگان «هویت اجتماعی بالقوه، بالفعل، بحران هویتی، داغ ننگ، نهاد تمام و...»، مسئله هویت اجتماعی است. گافمن معتقد است جامعه برای افراد نقش‌هایی را در نظر گرفته است که به هنگام اجرای آنها، هویت‌هایشان را رقم می‌زند و شکل می‌دهد. افراد نیز در تلاش خود برای اجرای هر چه بهتر نقش خود، می‌کوشند تا هویت مد نظر خود را از طریق موقعیتهای کم‌و بیش ساختاریافته، تثبیت و دیگران را وادار به پذیرش آن کنند (گافمن، ۱۳۹۲: ۲۲-۱۶). از نظر گافمن، هویت اجتماعی بالقوه و بالفعل افراد در کنش‌های اجتماعی برای نیل به هویت مطلوب در چارچوبی صورت می‌گیرد که جایگاه، منزلت و موقعیتشان را از سوی جامعه تعیین می‌کند و با بروز ناهمسانی بین این دو هویت، فرد دچار بحران «نقشی- هویتی» برساخته از ساختار نظام اجتماعی می‌شود. دیدگاه وی به ویژه در برجسب‌زنی، اعتقادش را به برساخته‌بودن هویت اجتماعی نشان می‌دهد (همان: ۲۲-۱۶ و ۱۶۲؛ تنهایی، ۱۳۹۴: ۱۰۸). روسنبرگ هویت‌های اجتماعی را «گروهها، منزلتها یا رده‌هایی» می‌داند که فرد «از نظر اجتماعی، خودش را متعلق به آنها تشخیص می‌دهد». این مفهوم، از طریق چگونه درگیر شدن فرد با نهادهای اجتماعی و مشارکت و همکاری با نهادهایی از قبیل آموزش و پرورش، سیاست، اقتصاد و نظام حقوقی ارتباط پیدا می‌کند (روسنبرگ و ترنر، ۲۰۱۷: ۵۹۶).

رویکردهای نظری میانی (تلفیقی)

نظریه‌پردازان این دیدگاه فرایندهای هویت‌یابی و هویت‌سازی را در دوران مدرن با در نظر گرفتن تأثیرات دوسویه افراد و ساختارهای اجتماعی تبیین کرده‌اند (عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۶-۷). صاحب‌نظران اصلی رویکرد تلفیقی هویت اجتماعی عبارتند از: پیتر بارک، یوهانا وین و راب وایت،^۵ ریچارد جنکینز، آنتونی گیدنز^۶ و شلدون استرایکر. در بین صاحب‌نظران این دیدگاه، مهم‌ترین و کامل‌ترین نظریه به پیتر بارک اختصاص دارد. به نظر وی، افراد دارای هویتی ثابت نیستند، بلکه با توجه به نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، هویت جدیدی به نام هویت نقش به دست می‌آورند (بارک، ۱۹۹۶: ۳-۲). هویت اجتماعی، مجموعه‌ای از معانی است که فرد در یک نقش، تحت تأثیر محیط یا موقعیت اجتماعی به عنوان هنجار یا مرجع برای تعریف خود و چگونگی ایفای نقش به کار می‌برد. این مجموعه معانی، شکل‌دهنده مرجع کیستی و چستی فرد است و به عنوان معیار (استاندارد) یا مرجعی برای اینکه فرد، خود را در

۱. C. H. Cooley

۲. George Herbert Mead

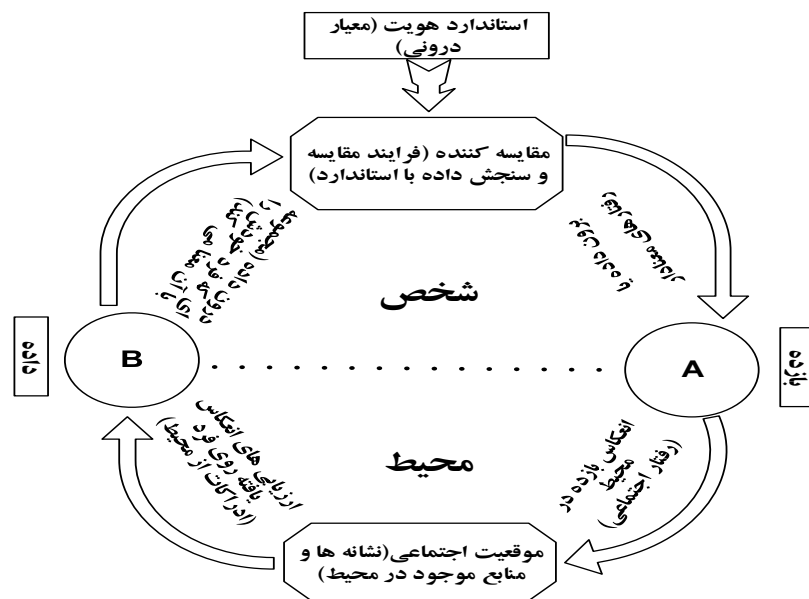
۳. Erving Goffman

۴. M. Rosenberg

۵. Johanna Wyn & Rob White

۶. Anthony Giddens

جامعه‌شناسد و ارزیابی کند، به کار می‌رود. بر اساس نظر بارک، افراد در مواجهه با موقعیتهای گوناگون به منظور هماهنگ کردن ادراک خویشتن با معیارهای درونی که برای خود دارند، به صورت خودتنظیمی عمل می‌کنند که پیوسته در جریان است تا زمانی که شرایط بهنجار در موقعیتی به هم بخورد (استیس و سوشیما، ۲۰۰۱: ۲۸۵-۲۸۳؛ بارک، ۱۹۹۱: ۸۳۶). بر اساس الگوی بارک در شکل ۲، برانگیخته و فعال شدن هویت به عنوان یک نظام کنترل در فرایندی بازخوردی در حلقه کامل شکل گرفته، تثبیت شده و ممکن است شکسته شود.



شکل (۲) طرح شماتیک نظام کنترل فرایند هویت اجتماعی (نمایش چرخه شکل گیری معنی و شکستن هویت)

در این شکل، بخش A، محیط اجتماعی و شامل نشانه‌ها و منابع محیطی است و بخش B، محیط انسانی و شامل معیارهای ذهنی فرد و رفتارهای انتزاعی دیگران است. ابتدا تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و محیط، ارزیابی‌هایی به منزله «داده» روی فرد انعکاس پیدا می‌کند و سپس فرد، خود را با این داده‌ها معنا می‌کند و از این طریق، درکی از خودش به دست می‌آورد. این درک فرد از خودش در پیوند با جامعه، با استانداردهای هویت شخص، مقایسه و سنجش می‌شود و بازده این سنجش، اعمال و رفتار معنادار فرد را تشکیل می‌دهد. هنگامی که این بازده در محیط یا موقعیت اجتماعی منعکس شود، در واقع هویت اجتماعی فرد شکل گرفته است. در صورتی که «داده‌ای» که در نظام وارد شود، با معانی شخص در استاندارد هویت او همخوانی و سازگاری نداشته باشد، برای فرد احساس رنج و فشار ایجاد می‌کند و در نتیجه، بی‌هویتی اجتماعی حاصل خواهد شد. در این صورت، چون بازده نظام هویتی تغییر پیدا کرده است، هویت جدیدی شکل می‌گیرد (بارک، ۱۹۹۶: ۴۳-۴۰؛ ۱۹۹۷: ۲۵۱-۲۳۹). شکسته شدن فرایند هویت و شکل‌گیری هویت جدید از طریق دو سازوکار رخ می‌دهد: سازوکار اول، شکسته شدن حلقه‌های هویت در نقطه‌های A (ورود بازده رفتار به محیط) و B (دریافت داده از محیط) است. سازوکار دوم، نظام هویتی بیش از حد کنترل شده است که اشاره به تلاشهایی دارد که برای کسب موفقیت در سازگاری ارزیابی‌های انعکاس یافته از بیرون روی فرد-

در محور داده- به خصوص در محیط‌های با ارزیابی‌های انعکاسی متغیر یا وفور منابع با استانداردهای هویت صورت می‌گیرد (بارک، ۱۹۹۱: ۸۴۵-۸۴۲).

به اعتقاد وین و وایت، هویت اجتماعی از طریق نهادهای اجتماعی از قبیل مدرسه، محیط‌های کار و فعالیت‌های تفریحی (هم در سطح مشارکت و هم در سطح مشاهده‌گری) امکان‌پذیر است. بنابر این، نهادهای اجتماعی باید با مشارکت دادن افراد، به آنان احساس هویت بخشند؛ زیرا هویت به ارتباط اجتماعی و روابط افراد با ارزشها و ایدئولوژی‌های مسلط جامعه مربوط است (وین و وایت، ۱۹۹۷: ۸۱).

جنکینز، رویکردی برساختی و نگرشی هم‌فراخوان درباره هویت اجتماعی دارد. از نظر او، «خویشی افراد به طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود؛ یعنی در فرایندهای اجتماعی شدن و جاری تعامل اجتماعی در چارچوب آنها، افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند». قدرت، سیاست و ساختار در شکل‌گیری هویت نقش اساسی دارند و در برخی موارد می‌توانند در فرایندهای حفظ و تغییر هویت، نقش محوری داشته باشند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۷ و ۴۴).

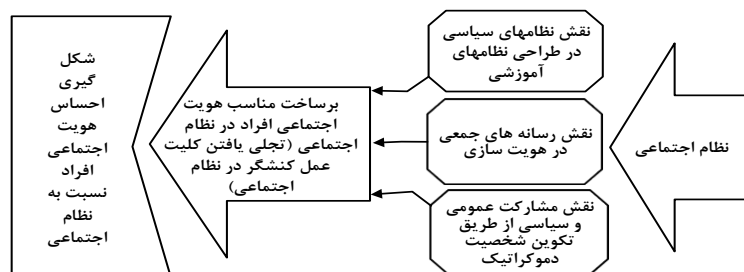
گیدنز در برداشت از هویت، کنش را با نقشی هم‌فراخوان به قدرت مرتبط می‌سازد (ریترز، ۱۳۸۶: ۶۰۲) و معتقد است کنشهای افراد تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می‌گیرند، با آن سازگار می‌شوند و از طریق آن اقدام به ساختن و پرداختن هویت شخصی خویش می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۵۶ و ۱۴۵). اصل کلیدی در نظریه هویت استرایکر این است که ساختار اجتماعی، نقش مهمی در تعیین سطح تعهد به نقشی خاص دارد (جاسپل و بریکول، ۲۰۱۴: ۱۰۸). از نظر او، «هویتها، حلقه ارتباطی بین فرد و ساختار اجتماعی‌اند؛ زیرا آنها گزینشهایی‌اند که فرد در راستای جایگاه خود، در ساختارهای اجتماعی و نقشهایی که در آن موقعیتها بازی می‌کنند، اتخاذ می‌کند» (استرایکر، ۱۹۶۸: ۸۹).

مدل و چهارچوب نظری

بر اساس مبانی نظری پژوهش، هویت به عنوان یک سازه اجتماعی در فرایند هم‌فراخوان عاملیت- ساختار در نظام اجتماعی توسط عوامل زمینه‌ساز نظام اجتماعی، برساخته شده و «به طور اجتماعی تثبیت می‌شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می‌آید» (لالر، ۱۳۹۳: ۸)؛ زیرا آنچه درباره هویت برجسته است ارزیابی و تفسیر افراد از ساختار و وقایعی است که در آن شرکت می‌کنند و آنها را با دیگر افراد و نهادهای اجتماعی شناسایی می‌کنند. این ساختار، تحت تأثیر عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... نظام اجتماعی، چهارچوبی را برای ارزیابی فرد از حوادث فراهم می‌کند که از طریق آن می‌تواند درک درست یا نادرستی از جامعه، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ، قومیت، جنسیت و خود را برای فرد فراهم کند (وینریچ و ساندرسون، ۲۰۰۵: ۲ و ۲۱). شکل‌گیری و تغییرپذیری انواع و سطوح هویت در نزد هر فرد، گروه یا خرده‌فرهنگی، تحت تأثیر دو دسته از عوامل خرد و کلان از جمله ویژگی‌های نظام شخصیتی، ساختاری و نظام اجتماعی صورت می‌پذیرد و تحلیل جامع و کاربردی آن علی‌رغم این که رویکردهای مستقل هر کدام فقط در حد مفهوم‌سازی عمل کرده‌اند (اسکیدمور^۱، ۱۳۹۲: ۲۲۵) مستلزم رویکردی

ترکیبی (و فرامکتبی) است (ترنر، ۱۹۹۸: ۷؛ توسلی، ۱۳۸۵: ۲۶۷). این رویکرد ترکیبی در پژوهش حاضر، شامل رویکرد کلان کارکردگرایی ساختاری به ویژه نظریه پرداز مشهور آن؛ تالکوت پارسنز و نظریه پردازان تلفیقی (میانی) روانشناسی اجتماعی به ویژه رویکرد تجزیه و تحلیل ساختاری هویت پیتر بارک به همراه رویکردهای خرد درباره هویت و هویت اجتماعی است. بر اساس این رویکرد، هویت در فرایند رابطه بین کنشگران و ساختارهای نظام اجتماعی بر ساخته می شود؛ یعنی ارزش ها و ایده های به هم پیوسته در عرصه اجتماعی می توانند هویت اجتماعی را بر ساخته و موجب تکوین آن در نظام اجتماعی شوند. بر اساس نظر پارسنز در مبحث نظام اجتماعی با توجه به اهمیت ضرورت های کارکردی و نیازهای یک نظام اجتماعی، هر نظام اجتماعی گرایش به انجام وظایفی برای بقای خود دارد که ساخت های اجتماعی، وظیفه پاسخ دادن به این نیازها را دارند (همیلتون، ۲۰۱۱؛ پارسنز، ۱۹۵۱: ۴۲ نقل از ریتزر و گودمن، ۱۳۹۳: ۱۳۶). در این فرایند، نقش عناصر و نهادهای نظام اجتماعی به ویژه نظام های سیاسی، آموزشی و رسانه های جمعی در شکل گیری هویت اجتماعی بسیار تعیین کننده است؛ زیرا: «هویت موضوع دولتی است، دولت ارائه کننده هویت است، برای آن مقررات و نظارت هایی برقرار می کند» (کوش، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

بر اساس چهارچوب نظری مدون پژوهش، در صورت تحقق کارکردهای نظام اجتماعی و مشارکت اجتماعی اعضای جامعه در ساختار نهادی نظام اجتماعی و توجه به زمینه ها و شرایط هویت نسلی آنها که به وسیله زمینه سازی سه عامل «نقش نظام های سیاسی در طراحی نظام های آموزشی، نقش رسانه های جمعی در هویت سازی و نقش مشارکت عمومی و سیاسی از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک طی فرایندهای پیچیده جامعه پذیری در نظام اجتماعی» صورت می پذیرد، کلیت عمل کنشگران اجتماعی در نظام اجتماعی تجلی پیدا کرده و بر ساخت مناسب هویت اجتماعی افراد در نظام اجتماعی در خلال هم فراخوانی عاملیت ساختار فرد با نظام اجتماعی صورت می پذیرد و در نتیجه احساس هویت اجتماعی افراد نسبت به نظام اجتماعی شکل می گیرد. در شکل (۳) مدل مفهومی و نظری محقق ساخته که برگرفته از مبانی و تحلیل های نظری پژوهش و متناسب با سؤال ها، فرضیه ها و اهداف پژوهش است، به تصویر در آمده است:



شکل (۳) فرایند شکل گیری هویت اجتماعی بر اساس عوامل زمینه سازی نظام اجتماعی

بر اساس مدل نظری پژوهش، اولین عامل زمینه ساز نظام اجتماعی در فرایند بر ساخت و شکل گیری هویت اجتماعی، نقش نظام های سیاسی در طراحی نظام های آموزشی است. این عامل همواره مورد توجه جامعه شناسان بوده است. به عنوان نمونه، دورکهم و پارسنز بر وظیفه آموزش و پرورش به عنوان سازو کارهای نظام اجتماعی و سیاسی مسلط در

متناسب نمودن فرد با جامعه و آماده ساختن فرد برای ایفای نقش بزرگسالی از طریق اجتماعی‌شدن تأکید دارند (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۱). از نظر بوردیو^۱، فضا تعیین‌کننده رفتار فردی و اجتماعی است و بخش عمده فضا در تسلط نظام سیاسی و آموزشی است (بوردیو، ۱۳۸۱: ۲۲ و ۲۵). بر اساس دیدگاه‌های جامعه‌شناسی نظم و تضاد هم، نظام‌های آموزشی کشورها، تابع نظام‌های سیاسی دولت‌های خود هستند و در جامعه‌پذیری سیاسی، مذهبی و اجتماعی دانش آموزان، برای هویت‌یابی ملی افراد جامعه خود، اهداف کلی نظام سیاسی را در نظر می‌گیرند (برتون^۲، ۱۳۹۶: ۲۴۹-۲۵۵). در خصوص نقش نظام‌های سیاسی در طراحی نظام‌های آموزشی در کشور ما نتایج برخی مطالعات انجام شده نشان از وضعیت نامناسب طراحی و عملکرد نظام آموزشی در این زمینه دارد (رک: شارع‌پور، ۱۳۸۵ و شارع‌پور و خوش فر، ۱۳۸۰).

عامل دوم زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی، رسانه‌های جمعی است به‌ویژه در جوامع غیردموکراتیک که به صورت انحصاری در سلطه حاکمیت نظام سیاسی مسلط است. رسانه‌های جمعی، انتقال و هدایت دامنه گسترده‌ای از نمادها، هنجارها، ارزش‌ها، عقاید، پیام‌ها و افکار امروزه درون جوامع را به عهده گرفته‌اند (تامپسون^۳، ۱۹۹۵: ۴۵) تا جایی که به زعم برخی صاحب‌نظران علاوه بر هویت‌سازی، موجب تغییر هویتی نیز می‌شوند (جمعه‌زاده و واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در حقیقت رسانه‌ها به واسطه بازنمایی‌های اجتماعی (ماتانی^۴، ۲۰۰۱) از طریق خلق «فضاهای ارتباطی نمادین»^۵ که در آنها هویت‌ها برساخته می‌شوند بر فرایند برساخته‌شدن هویت اجتماعی تأثیر می‌گذارند (سیلورستون و جورجیو^۶، ۲۰۰۵). نتایج برخی پژوهش‌ها در ایران نشان داده است که رسانه‌های جمعی به‌ویژه رادیو و تلویزیون به شکل انحصاری یکی از ابزارهای نظام اجتماعی برای فرهنگ‌سازی و بسترسازی احساس هویت اجتماعی و حتی احساس بی‌هویتی اجتماعی نظام اجتماعی محسوب می‌شود. به‌عنوان نمونه بر اساس پژوهش کاربردی که توسط محقق در این زمینه انجام شده است، ضعف و ناکامی نظام اجتماعی در ایجاد زمینه برای شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی در نوجوانان، در احساس بی‌هویتی اجتماعی آنان و در نتیجه، هویت‌یابی با الگوهای فرهنگ غربی اثرگذار بوده است (رک: اشرفی، ۱۳۷۷: ۵۷ و ۱۲۰-۱۱۶).

عامل سوم زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی، مشارکت عمومی و سیاسی از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک است. منظور از شخصیت دموکراتیک، آن شخصیتی است که مستعد مشارکت در حیات عمومی باشد و زندگی سیاسی را عرصه فعالیت میان افراد برابر بداند و از سلطه جویی بر دیگران از یک سو و پیروی کورکورانه از قدرتمندان بپرهیزد. مقوله شخصیت دموکراتیک محصول فرایندهای پیچیده جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی است و تکوین آن در درون ساختارها و فرایندهای دموکراتیک نظام سیاسی صورت می‌گیرد که به نوبه

۱. Pierre Bourdieu

۲. Burton

۳. Thompson

۴. Mahtani

۵. Symbolic communicative spaces

۶. Silvestone & Georgiou

خود بر تقویت آن ساختارها و فرایندها تأثیر هم می‌گذارند. (بشیریه: ۱۳۸۱). ملیسا مایکلسون^۱ نیز با اشاره به اهمیت مشارکت مردم در مسایل اجتماعی- سیاسی، واقعیت نظام اجتماعی و سیاسی حاکم در هر جامعه را عامل مهم و مؤثر بر میزان وجود احساس اثربخشی و اثرگذاری افراد می‌داند. در دیدگاه وی چنین به نظر می‌رسد که واقعیت نظام اجتماعی حاکم در هر جامعه عامل مهم و مؤثر بر میزان وجود احساس اثربخشی و اثرگذاری افراد (به‌عنوان یکی از شاخص‌های هویت اجتماعی) است. وی به این نتیجه دست‌یافته است که هر قدر میزان احساس اثربخشی در افراد بیشتر باشد میزان بی‌اعتنایی کاهش می‌یابد و هر قدر میزان بی‌اعتنایی افراد پایین‌تر باشد تمایل و درگیری برای مشارکت بیشتر می‌شود (مایکلسون، ۲۰۰۰: ۱۳۶). نتایج برخی پژوهش‌ها در ایران حاکی از رابطه و تأثیر متغیر احساس اثربخشی بین افراد و مشارکت و رضایت اجتماعی از نظام اجتماعی حاکم به‌عنوان شاخص‌های هویت اجتماعی با بی‌اعتنایی سیاسی و بیگانگی است. به‌عنوان نمونه: نتایج پژوهش دانش و علی پور (۱۳۹۲) حاکی از ارتباط بین بیگانگی و احساس بی‌هنجاری افراد است. نتایج پژوهش نادری و همکاران (۱۳۹۰) بیانگر این است که بین متغیر بیگانگی اجتماعی - احساس بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، تنفر از خویشان - بی‌اعتنایی اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش محسنی تبریزی (۱۳۸۲) نیز برخی مؤلفه‌ها مانند ناهنجاری، رضایت اجتماعی و محرومیت نسبی بر میزان بی‌اعتنایی اجتماعی افراد اثرگذار است (رک: اشرفی، ۱۳۹۸: ۵۴).

روش تحقیق

روش پژوهش: روش پژوهش، کمی از نوع پیمایش است که با استفاده از برخی شیوه‌های روش کیفی از روش ترکیبی^۲ بهره برده است. روشهای کیفی استفاده شده عبارتند از: روش تعیین اعتبار محتوایی، مصاحبه توجیهی و ارتباطی توسط پرسشگران حرفه‌ای برای گردآوری داده‌ها و استفاده از روش استنتاج گمانه‌زن^۳ به منظور جرح و تعدیل فرضیه‌سازی و ساختن شاخصهای اندازه‌گیری اطلاعات در فرایند کلی تحقیق، از ابتدای طرح فرضیه‌های پژوهش تا پایان مرحله تحلیل و ارزیابی پرسشنامه و آزمون مقدماتی که منجر به تقویت فرضیه‌ها متناسب با موضوع و اهداف تحقیق شده است.

شاخص‌ها و گویه‌ها: شاخص‌ها و گویه‌های مورد سنجش فرضیه‌ها بر اساس چهارچوب و مدل نظری پژوهش، ساخته شده و توسط داوران صاحب‌نظر در روش‌های تحقیق، آمار و جامعه‌شناسی مورد ارزیابی قرار گرفته و در قالب پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت شش گزینه‌ای در مقیاس ترتیبی تنظیم شده است. پرسش‌نامه مزبور با آزمون مقدماتی و نظرسنجی از جوانان مورد مطالعه و تحلیل‌های آماری، مورد ارزیابی قرار گرفته و پس از مرتفع شدن ایرادهای آن به صورت نهایی برای سنجش فرضیه‌ها درآمده است.

۱. Melissa Michelson

۲. Mix method

۳. استنتاج گمانه‌زن معادل فارسی است که داریوش آشوری برای منطق ابداکشن (Abduction) به کار برده است. (رک: آشوری، ۱۳۹۲)

روش گردآوری اطلاعات: روش گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه همراه با مصاحبه توجیهی توسط پرسشگران حرفه‌ای مرکز مطالعات و تحقیقات علوم انسانی جهاد دانشگاهی و با استفاده از تبلت^۱ به‌عنوان جدیدترین و معتبرترین روش بوده است که موجب افزایش روایی پرسشنامه شده است.

روایی و پایایی ابزار: برای دست‌یابی به روایی پرسشنامه با استفاده از رویکرد روش شناختی سه‌گانه سازی به منظور استفاده هدفمند از روش‌ها و نظریه‌های متعدد در مطالعه یک پدیده سعی شده است تا سوگیری ناشی از دیدگاه‌های فردگرایانه به حداقل رسد و اعتبار نتایج یافته‌های تحقیق افزایش یابد (گرین^۲، ۲۰۰۷ و چارتن^۳، ۲۰۰۰). همچنین علاوه بر استفاده از روش اجرای پرسشنامه با استفاده از تبلت به وسیله پرسشگران کار آزموده شاغل به تحصیل در محدوده مکانی جامعه آماری به روش مصاحبه ارتباطی و توجیهی، از روش کیفی تعیین اعتبار محتوایی - داوری صاحب‌نظران - و روش کمی اعتبار سازه‌ای - تحلیل عاملی تأییدی - و پیش‌آزمون به تعداد ۵۰ نمونه مشابه نمونه آماری استفاده شده است. برای دست‌یابی به پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرون‌باخ، استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری، روش نمونه‌گیری: جامعه آماری، کلیه دانشجویان دختر و پسر جوان در دامنه سنی ۱۹ تا ۳۵ سال شاغل به تحصیل در دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۷ به غیر از دانشکده‌های پردیس به تعداد ۲۰۲۸۶ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری، احتمالی طبقه‌ای متناسب با حجم هر طبقه بر اساس دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت بوده است. حجم نمونه برآورد شده بر اساس فرمول کوکران با دقت برآورد (۰/۰۹) و خطای برآورد (۰/۰۵) پس از انجام آزمایشی پرسشنامه و تعیین واریانس طبقات جامعه آماری، برابر با (۴۴۵) نفر محاسبه شده است.

روش‌های تجزیه و تحلیل: با توجه به بعد نظری و میدانی تحقیق، از دو روش تجزیه و تحلیل کیفی (نظری) و کمی استفاده گردیده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس روش کمی، برای سنجش متغیرها و ارزیابی فرضیه‌های پژوهش، با توجه به ماهیت هم‌فراخوانی متغیرهای مستقل و وابسته (عوامل زمینه‌ساز نظام اجتماعی و هویت اجتماعی) چون در عمل با چند متغیر مواجه بودیم که مشترکاً تشکیل یک متغیر فراگیر را می‌دادند به‌طوری که متغیر وابسته در درون متغیر مستقل نهفته بود و هر کدام از متغیرها به‌صورت مستقل قابل اندازه‌گیری نبودند، به ناچار می‌بایست از آزمون تی به جای تحلیل رگرسیون و معادل ناپارامتری آن؛ آزمون دوجمله‌ای استفاده می‌شد. بر این اساس با توجه به زیاد بودن تعداد نمونه (بیش از ۳۰ نمونه) بر اساس قضیه حد مرکزی و نرمال فرض کردن داده‌ها، از روش آماری آزمون پارامتری تی تک‌نمونه‌ای^۴ و ناپارامتری دوجمله‌ای استفاده شده است. در واقع با استفاده از این دو آزمون می‌توان فرایند تأثیر را در فرضیه‌های تفاوتی با متغیرهای مستقل فراگیر مشخص کرد؛ برای این منظور، باید جهت پاسخ‌ها را تشخیص داد و به این نتیجه رسید که آیا متغیر مستقل فراگیر به سمت طیف‌های بالا و یا پایین گرایش دارد و یا در حالت خنثی است؛ در صورتی که پاسخ پاسخگویان به سمت مقادیر زیاد و خیلی زیاد گرایش داشته باشد، به

۱. Tablet

۲. Greene

۳. Churton

۴. One sample t test

معنی تأثیر مثبت متغیر مستقل بر وابسته است و اگر به سمت مقادیر کم و خیلی کم گرایش داشته باشد، به معنی تأثیر منفی متغیر مستقل بر وابسته است و در صورتی که به سمت مقادیر خنثی (پاسخ‌های متوسط یا بی‌نظر) گرایش داشته باشد، به معنی بی‌تأثیری متغیر مستقل بر وابسته است (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۹۵: ۳۸۶-۳۸۳ و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). در خصوص موارد استفاده از آزمون تی درباره متغیرهای ترتیبی، برخی صاحب‌نظران معتقدند در مواردی که چند متغیر ترتیبی باهم ترکیب می‌شوند و مقیاسی برای یک مفهوم انتزاعی ساخته می‌شود می‌توان آن‌ها را با تسامح، مقیاس فاصله‌ای در نظر گرفت (نایی، ۱۳۹۵: ۱۹) و یا با میانگین‌گیری از طیف لیکرت، مقادیر رتبه‌ای را به مقادیر فاصله‌ای تبدیل کرد. همچنین با توجه به این که جهت‌گیری فرضیه‌ها در طیف‌های مخالف تا موافق، شامل چندین سوال بوده و ترکیب سؤال‌ها که غالباً در متغیر میانگین یا میانه تجلی پیدا می‌کند مورد آزمون قرار گرفته است، از آزمون دو جمله‌ای به عنوان رایج‌ترین آزمون در حالت نرمال نبودن استفاده شده است (حبیب‌پور، ۱۳۹۵: ۵۴۲-۵۳۵).

یافته‌های تحقیق

پایایی پرسشنامه

نتایج پایایی پرسشنامه بر اساس روش آلفای کرون‌باخ در جدول (۱) به شرح ذیل آمده است:

جدول (۱) پایایی پرسشنامه

فرضیه	تعداد سؤال‌ها	ضریب آلفای کرون‌باخ
فرضیه اصلی	۳۴	۰/۸۷۷

بر اساس جدول فوق، با توجه به این که ضریب پایایی کل پرسشنامه بیش از حد نصاب مورد پذیرش (۰/۶۷) و نزدیک به مبنای پایایی زیاد (۰/۹۵) از نظر کرون‌باخ است، می‌توان گفت پایایی پرسشنامه در حد زیاد مورد تأیید قرار گرفته است.

آزمون فرضیه‌ها

برای سنجش ارزیابی عوامل زمینه‌ساز بر ساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی، بر اساس مطالعات نظری پژوهش یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی تشکیل شده است. ابتدا نتایج آزمون‌پذیری فرضیه‌های فرعی که در مجموع تشکیل‌دهنده فرضیه اصلی هستند بر اساس آزمون T تک‌نمونه‌ای و آزمون دو جمله‌ای و سپس نتایج آزمون‌پذیری فرضیه اصلی بر اساس آزمون T تک‌نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

(۱) آزمون فرضیه‌های فرعی

جدول (۲) آزمون دوجمله‌ای فرضیه فرعی اول

آماره					فرضیه فرعی اول
سطح معنی‌داری	نسبت موردآزمون	نسبت مشاهده‌شده	تعداد	رده	نظام سیاسی در جامعه ما از طریق طراحی نظام‌های آموزشی، در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش مؤثر نداشته است.
۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۱۴	۶۳	≤ 3	گروه مخالفین (کاملاً مخالف، مخالف، احتمالاً مخالف)
	۰/۵۰	۰/۸۶	۳۸۲	> 3	گروه موافقین (کاملاً موافق، موافق، احتمالاً موافق)
		۱/۰۰	۴۴۵		جمع

یافته‌های جدول (۲) نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) فرضیه صفر مبنی بر نقش مؤثر نظام‌های سیاسی از طریق طراحی نظام‌های آموزشی در جامعه ما در برساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی رد شده است؛ زیرا ۰/۸۶ پاسخ افراد در گروه موافقین با متغیر مورد نظر قرار گرفته است. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت نظام‌های سیاسی در جامعه ما از طریق طراحی نظام‌های آموزشی در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی ما نقش مؤثر نداشته‌اند.

جدول (۳) آزمون دوجمله‌ای فرضیه فرعی دوم

آماره					فرضیه فرعی دوم
سطح معنی‌داری	نسبت موردآزمون	نسبت مشاهده‌شده	تعداد	رده	رسانه‌های جمعی حاکمیتی در جامعه ما در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش تعیین‌کننده نداشته‌اند
۰/۰۰۰	۰/۵۰	۰/۰۹	۴۰	≤ 3	گروه مخالفین (کاملاً مخالف، مخالف، احتمالاً مخالف)
	۰/۵۰	۰/۹۱	۴۰۵	> 3	گروه موافقین (کاملاً موافق، موافق، احتمالاً موافق)
		۱/۰۰	۴۴۵		جمع

یافته‌های جدول (۳) نشان می‌دهد با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) فرضیه صفر مبنی بر نقش تعیین‌کننده رسانه‌های جمعی حاکمیتی در برساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی، رد شده است. زیرا ۰/۹۱ پاسخ افراد در گروه موافقین با متغیر مورد نظر قرار گرفته است. بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت که رسانه‌های جمعی حاکمیتی در برساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی ما نقش مؤثر نداشته‌اند.

جدول (۴) آماره‌های نمونه فرضیه فرعی سوم

آماره نمونه				متغیر
خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	عدم مشارکت عمومی و سیاسی جوانان از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک
۰/۰۴۹	۱/۰۳۰	۴۰۲۹۷	۴۴۵	

جدول (۵) آزمون T فرضیه سوم

فاصله اطمینان ۹۵ درصد از تفاوت		تفاوت از میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره T	آماره‌های آزمون T
کران بالا	کران پایین					
۰/۷۰۱	۰/۸۹۳	۰/۵۵۱	۰/۰۰۰	۴۴۴	۱۶,۳۲	فرضیه سوم نظام اجتماعی ما در مشارکت عمومی و سیاسی از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای نداشته است

با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و مقدار آماره T (۱۶/۳۲) در جدول (۵) فرضیه صفر رد شده است. از آنجاکه کران‌های بالا و پایین در فاصله اطمینان، هر دو مثبت هستند، در نتیجه با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان مدعی شد میانگین پاسخ به پرسش‌های مربوط به متغیر فرضیه اصلی از عدد ۳/۵ (مقدار متوسط طیف ۶ گزینه‌ای لیکرت) بزرگ‌تر است؛ یعنی میانگین پاسخ افراد به سمت مخالفت با نقش تعیین کننده مشارکت عمومی و سیاسی از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک، در برساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی کشیده شده است؛ براین اساس می‌توان نتیجه گرفت نظام اجتماعی در جامعه ما از طریق تکوین شخصیت دموکراتیک، در برساخت هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای نداشته است.

جدول (۶) آماره‌های نمونه فرضیه اصلی

خطای معیار		میانگین	تعداد	آماره‌های نمونه	متغیر
انحراف معیار	خطای معیار				
۰/۹۰۱	۰/۰۴۲	۴,۴۱۶	۴۴۵		عدم زمینه‌سازی عوامل برساخت مناسب هویت اجتماعی

جدول (۷) آزمون T فرضیه اصلی

فاصله اطمینان ۹۵ درصد از تفاوت		تفاوت از میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره T	آماره‌های آزمون T
کران بالا	کران پایین					
۰/۸۳۳	۱/۰۰۰	۰/۹۱۷	۰/۰۰۰	۴۴۴	۲۱,۴۵	فرضیه اصلی نظام اجتماعی ما از طریق عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثری نداشته است

با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) و مقدار آماره T (۲۱/۴۵) در جدول شماره (۷) فرضیه صفر مبنی بر شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان، متأثر از برساخت هویت اجتماعی توسط عوامل زمینه‌ساز نظام اجتماعی، رد شده است. از آنجاکه کران‌های بالا و پایین در فاصله اطمینان، هر دو مثبت هستند، در نتیجه با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان مدعی

شد میانگین پاسخ به پرسش‌های مربوط به متغیر فرضیه اصلی از عدد ۳/۵ (مقدار متوسط طیف ۶ گزینه‌ای لیکرت) بزرگ‌تر است؛ یعنی میانگین پاسخ افراد به سمت مخالفت با شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی جوانان، متأثر از برساخت هویت اجتماعی توسط عوامل زمینه‌ساز نظام اجتماعی کشیده شده است؛ بنابراین می‌توان گفت نظام اجتماعی در جامعه ما نتوانسته است بر اساس عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی در شکل‌گیری احساس هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثر ایفا کند.

همانطور که یافته‌های پژوهش در ارتباط با آزمون فرضیه‌ها نشان داد، تمام فرضیه‌ها مورد تأیید قرار گرفت. به این ترتیب یافته‌های به‌دست آمده با مطالعات اکتشافی اولیه که بر اساس آن فرضیه‌های پژوهش به‌صورت جهت‌دار انتخاب گردیده بود و همچنین با تحلیل‌های نظری پژوهش مطابقت دارد. نکته حایز اهمیت در این خصوص این است که میزان قوت و اهمیت فرضیه فرعی دوم یعنی؛ رسانه‌های جمعی حاکمیتی در جامعه ما نقش تعیین‌کننده در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نداشته‌اند و پس از آن فرضیه فرعی اول یعنی؛ نظام سیاسی در جامعه ما از طریق طراحی نظام‌های آموزشی، در برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی نقش مؤثر نداشته است، در تأیید آزمون میدانی، با تحلیل‌های جامعه‌شناختی در مبانی نظری به‌عنوان مهمترین وظایف کارکردی نظام اجتماعی در زمینه سازی هویت اجتماعی مطابقت داشته و مورد انتظار بود.

در مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با سایر مطالعات انجام‌شده که در پیشینه تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان مدعی شد از بین رویکردهای سه‌گانه مطالعاتی به مفهوم هویت اجتماعی، نتایج این پژوهش با دو رویکرد آن‌ها هیچ‌گونه مشابهتی ندارد. این دو رویکرد عبارت‌اند از: مطالعاتی که برداشت از هویت اجتماعی را به مفهوم هویت جمعی تقلیل داده‌اند و مطالعاتی که هویت اجتماعی را به‌عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های هویت ملی یا بعضاً به معنای آن در نظر گرفته‌اند. اما رویکرد سوم که با توجه به دیدگاه‌های روانشناسی و روانشناسی اجتماعی و با نگرشی جامعه‌شناختی، هویت اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌اند، در برخی زمینه‌های مطالعات نظری مشابهت و مبانی مشترکی با نتایج این پژوهش دارد ولیکن مطالعات این رویکرد نیز با وجود اینکه با نگرش خاص مکتبی خود، هویت اجتماعی را به‌عنوان مفهومی مستقل و تک‌مصدافی در ساختارهای اجتماعی مطرح کرده است، در مقایسه با رویکرد مطالعاتی تحلیلی (فرامکتبی) و کاربردی این پژوهش که با توجه به عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت اجتماعی در بستر نظام اجتماعی انجام شده است، بیشتر انتزاعی بوده و از جامعیت محتوای کاربردی برخوردار نیست. نمونه‌ای از پژوهش‌های این مجموعه که فقط نقاط مشترکی در مبانی نظری با این پژوهش دارند در پیشینه پژوهش آورده شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که بیشتر مطالعات انجام‌شده در خصوص هویت اجتماعی بر پایه پیش‌فرض‌ها، ذهنیات و گرایش‌های خاص مکتبی به‌جای الزامات نظریه‌ای و کاربردی بوده است، درحالی که هویت اجتماعی مفهومی تک‌بعدی نیست که شکل‌گیری ذاتی داشته باشد بلکه مفهومی است چندمصدافی و تحلیلی که فرایند شکل‌گیری آن باید با رویکردی فرامکتبی مورد بررسی قرار گیرد، پژوهش حاضر با رویکرد فرامکتبی ترکیبی جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی در

سطوح نظری خُرد، کلان و تلفیقی توانست با ارائه و آزمون یک مدل کاربردی، ماهیتِ برساختی بودن زمینه‌سازی و شکل‌گیری هویت اجتماعی در ساختار نظام اجتماعی را به‌عنوان یک مفهوم سیال و چندمصدیقی در مقابل رویکردهای انتزاعی و تک‌مصدیقی مطالعات انجام‌شده نشان دهد. مدل مزبور که بر اساس مطالعات نظری پژوهش، حاوی سه متغیر فرعی عوامل زمینه‌ساز نظام اجتماعی در فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی در بستر نظام اجتماعی است تا کلیت عمل کنشگر در نظام اجتماعی را متجلی کرده و برساخت مناسب هویت اجتماعی جوانان در نظام اجتماعی را شکل دهد، پس از ساخته‌شدن شاخص‌ها و گویه‌های عملیاتی بر اساس مطالعات نظری، در قالب پرسشنامه محقق‌ساخته با تأیید روایی و پایایی آن به روش‌های کمی و کیفی، در نمونه آماری دانشجویان جوان دانشگاه تهران مورد سنجش قرار گرفت. نتایج و یافته‌های حاصله بر اساس مطالعات و تحلیل‌های نظری و کسب نتایج آماره $(T=21/45)$ به‌وسیله آزمون پارامتری تی تک‌نمونه‌ای و آزمون دوجمله‌ای در مطالعات میدانی علاوه بر تأیید فرضیه اصلی و دست‌یابی به این امر که بر اساس مسئله اصلی پژوهش، نظام اجتماعی در جامعه ما نتوانسته است بر اساس عوامل زمینه‌ساز برساخت هویت اجتماعی در نظام اجتماعی در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام اجتماعی نقش مؤثر ایفا کند، بر اساس اهداف تعیین‌شده، منتج به شناسایی و معرفی عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت اجتماعی در نظام اجتماعی و ارائه شاخص‌ها و گویه‌های سنجش آن به همراه تأیید میدانی آن‌ها گردید. بر اساس نتایج کاربردی حاصله از پژوهش، به نظر می‌رسد ضرورت جدی وجود دارد که متولیان نظام اجتماعی و حاکمیت در کشور ما متناسب با تغییرات ساختاری در زیرساخت‌های سازمانی و نهادهای حاکمیتی، به ویژه نظام‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی حاکمیتی توجه ویژه‌ای به نیازها و منزلت اجتماعی جوانان داشته باشند و با توجه به برنامه‌ریزی اصولی و ساختاری، سهم و جایگاه تعیین‌کننده مشارکت آن‌ها را در مدیریت و بدنه اصلی تصمیم‌گیری‌ها و امور اجرایی نظام اجتماعی مشخص کرده تا به این وسیله، کلیت کنش‌های جوانان در نظام اجتماعی تجلی پیدا کند و زمینه‌های برساخت مناسب شکل‌گیری هویت اجتماعی آنان نسبت به نظام اجتماعی فراهم شود. در غیر این صورت بر اساس اصول جامعه‌شناسی تفسیری از آنجا که نظام اجتماعی نتوانسته تعامل مناسب با جوانان برقرار کند، از یک طرف جوانان به جای ارتباط و تعامل با نظام اجتماعی، چون احساس هویت اجتماعی خود را از دست داده‌اند، به تضاد و رویارویی با نظام اجتماعی رویگردان خواهند شد و از طرف دیگر به علت نیاز حیاتی و اجتماعی جوانان به احساس هویت اجتماعی، باید منتظر گرایش جوانان به زمینه‌های ساختاری نظام‌های اجتماعی دیگر در تشکیل هویت اجتماعی آنان باشیم. در همین راستا مهمترین پیشنهاد برای سایر پژوهش‌ها، انجام مطالعات میدانی در سطح کل جوانان کشور برای اطلاع از وضعیت و میزان احساس هویت اجتماعی جوانان نسبت به نظام‌های اجتماعی بیگانه قابل طرح است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران، سروش، چ هفتم.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۹۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*. مترجم: علی‌محمد حاضری و همکاران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- اشرفی، ابوالفضل. (۱۳۷۷). *بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب* «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان (۱۹-۱۳ ساله) به الگوهای غربی رپ و هوی‌متال در تهران». رساله کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- اشرفی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). *بررسی جامعه‌شناختی تأثیرات کارکردی نظام اجتماعی بر هویت اجتماعی جوانان* (نمونه مورد مطالعه، دانشجویان دانشگاه تهران). رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- باتامور، تام و ویلیام آتویت. (۱۳۹۲). *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم*. مترجم: حسن چاوشیان. تهران: نی.
- برتون، رولان. (۱۳۹۶). *قوم‌شناسی سیاسی*. مترجم: ناصر فکوهی. تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- برگر، پیتر. ال؛ برگر، بریجیت و کلنر، هاستفرید. (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی*. مترجم: محمد ساوجی. تهران: نشر نی.
- برگر، پیتر ال. و توماس لاکمن. (۱۳۹۳). *ساخت اجتماعی واقعیت*. مترجم: فریبرز مجیدی. تهران: علمی و فرهنگی، چ سوم.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). *تحول خودآگاهی‌ها و هویت‌های سیاسی در ایران*. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱، ۱۲۸-۱۱۷.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). *نظریه منش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. مترجم: مرتضی مردیها. تهران: نقش و نگار.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.
- ترنر، جانانان. (۱۳۸۲). *ساخت نظریه جامعه‌شناختی*. مترجم: لهستانی‌زاده. شیراز: نشر دانشگاه شیراز.
- تنهایی، ح. الف. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی نظری: تحلیل جامعه‌شناختی در بستر تاریخ*. تهران: بهمن برنا. چاپ چهارم.
- تنهایی، ح. الف. (۱۳۹۴). *بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی: دوران مدرنیته اخیر*. تهران: بهمن برنا.
- توسلی، غلام‌عباس. (۱۳۸۵). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ دوازدهم.
- جمعه‌زاده، جواد و اوغلی محمودرضا. (۱۳۹۰). *رسانه و برسازی هویت اجتماعی پسامدرن، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال هجدهم، ۳، ۱۴۶-۱۲۰.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۹۱). *هویت اجتماعی*. مترجم: تورج یار احمدی. تهران: پردیس دانش.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نی. چاپ هشتم.
- حبیب‌پور، کرم و صفری رضا. (۱۳۹۵). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: متفکران، چ سوم.
- دوران، بهزاد. (۱۳۸۷). *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. مترجم: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. چاپ دوازدهم.
- ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس. جی. (۱۳۹۳). *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*. مترجم: خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ دوم.

- روشه، گی. (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز*. مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نی. چاپ دوم.
- زیتلن، ایروینگ. (۱۳۹۰). *آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی*. مترجم: غلام‌عباس توسلی. تهران: قومس، چاپ سوم.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات سمت.
- شارع‌پور، محمود و خوش فر. (۱۳۸۰). *بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر هویت اجتماعی جوانان در شهر تهران*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل ارشاد اسلامی استان تهران.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و ابراهیم حاجیانی. (۱۳۸۷). «مطالعه تجربی منابع هویت در ایران». *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نهم، ش ۲: ۵۲-۳۱.
- عبدالهی، محمد و امید قادرزاده. (۱۳۸۸). *هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق*، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، ۳۶، ۲۵-۱.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت* (جلد دوم). مترجم: حسن چاوشیان. تهران: انتشارات طرح نو. چاپ هفتم.
- کرایب، یان. (۱۳۹۷). *نظریه اجتماعی مدرن، از پارسنز تا هابرماس*. مترجم: عباس مخبر. تهران: آگه، چاپ دوازدهم.
- کریمی، رامین. (۱۳۹۴). *راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS*. تهران: هنگام.
- کوش، دنی. (۱۳۹۰). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. مترجم: فریدون وحیدا. تهران: سروش.
- گافمن، اروینگ. (۱۳۹۲). *داغ‌ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده*. مترجم: مسعود کیان‌پور. تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. مترجم: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی. چاپ هشتم.
- لالر، استف. (۱۳۹۳). *هویت: دیدگاه‌های جامعه‌شناختی*. مترجم: مهناز فرهمند. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نایی، هوشنگ. (۱۳۹۵). *آمار توصیفی برای علوم اجتماعی*. تهران: سمت، چاپ سوم.
- Bernd, Simon. (۲۰۰۴). *Identity in modern society: "A social psychological perspective"*. First published by Blackwell u.s.a.
- Boghossian, Paul. A. (۲۰۰۱). *"What is Social Construction?"* Originally published in the Times Literary Supplement.
- Burke, Peter. J. (۱۹۹۱). Identity process and social stress. *American sociological review, vol ۵۶*.
- Burke, Peter. J. (۱۹۹۶). *Social Identities and Psychosocial Stress*. Department of Sociology, Washington State University.
- Burke, Peter. J. (۱۹۹۷). An Identity model for Network Exchange. *American Sociological Review, ۶۲*, ۱۳۴-۱۵۰.
- Churton, M. (۲۰۰۰). *Theory and Method*, Hampshire, Macmillan.
- Cote, J.E. & C.G. Levine. (۲۰۱۴). *Identity Formation, Agency, and Culture, a Social Psychological Synthesis*. eBook Published, Pub. Location New York. Imprint Psychology Press. DOI <https://doi.org/10.4324/97814106112199>
- Darity Jr, William A. (۲۰۰۸). *International Encyclopedia of the Social Sciences*. ۲nd Edition. Macmillan Reference USA: Vol. ۷.
- Fukuyama, Francis. (۲۰۱۸). *Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment*. Hardcover on Amazon.com.
- Greene, J.C. (۲۰۰۷). *Mixed Methods in Social Inquiry*. San Francisco: Jossey Bass.

- Hall, Stuart & Paul Du Gay. (۲۰۱۲). *Questions of Cultural Identity*. London: Sage Pub.
- Hamilton, Peter. (۲۰۱۱). *Talcott Parsons*. Third Edition. London: Routledge.
- Howard, Judith A. (۲۰۰۰). Social psychology of identities. *Annual Review of Sociology*, Vol. ۲۶, pp. ۳۶۷-۳۹۳.
- Jaspal, rusi & Break well, Glynis M. (۲۰۱۴). *Identity Process Theory: "Identity, Social Action and Social Change"*. First pub, u.s.a, Cambridge University Press.
- Korostelina, Karina. V. (۲۰۰۷). *Social Identity and Conflict: "Structures, Dynamics, and Implications"*. First pub, Palgrave Macmillan, New York.
- Kroger, Jan. (۲۰۱۹). *Identity in Adolescence, the Balance between Self and Other*, ۴th Edition. London & New York: Routledge.
- Lawler, S. (۲۰۱۵). *Identity: Sociological perspectives*. Cambridge: polity press.
- Mahtani, M. (۲۰۰۱). Representing Minorities: Canadian Media and Minority Identities, in Canadian. *Ethnic Studies*, Vol. ۳۳ (۳).
- Merton, Robert K. (۱۹۳۸). *Social Structure and Anomie*. U.S.A. Prentice H.
- Michelson, M.R. (۲۰۰۰). Political Efficacy and Electoral Participation of Chicago Latinos. *Social Science Quarterly*, No. ۱:۱۳۱-۱۵۰.
- Oatey, Helen Spencer (۲۰۰۶). "Theories of Identity and the Analysis of Face". *Journal of Pragmatics*. ۳۹. PP. ۶۳۹-۶۵۶.
- Parsons, Talcott. (۲۰۰۵). *the social system*, England, Routledge & Kegan Paul Ltd.
- Rosenberg, Morris & Ralph H. Turner. (۲۰۱۷). *Social Psychology: Sociological Perspectives*. New York: Routledge Ebook Published, DOI: <https://doi.org/10.4324/9781315129723>.
- Silvestone, R. & Georgiou, M. (۲۰۰۵). Editorial Introduction: Media and Minorities in Multicultural Europe. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. ۳۱ (۳).
- Stets, Jan, E. & Tsushima, T, m. (۲۰۰۱). "Negative emotion and coping responses within identity control theory". *Social Psychology Quarterly*, ۶۴(۳), ۲۸۳-۲۹۵.
- Strikers, S. & P. J. Burk. (۲۰۰۰). "The past, Present and Future of Social Identity Theory". *Social psychology Quarterly*. ۶۳: PP. ۲۸۴-۲۹۷.
- Strikers, S. (۱۹۶۸). "Identity theory and role performance". *Journal of marriage and the family*, (www.socsci.colorado.edu).
- Thompson, John. B. (۱۹۹۵). *The Media and Modernity: A Social Theory of the Media*. Stanford: Stanford University Press.
- Turner, Jonatan. H. (۱۹۹۸) *The Structure of sociological theory*. Sixth edition, Tomson publishing, hanpshire. uk.
- Weinreich, Peter & Saunderson, Wendy (۲۰۰۵). *Analysing Identity "Cross-cultural, societal and clinical contexts*. Routledge pub New York.
- Woodward Kath (۲۰۰۰). *Questioning identity: Gender, Class, nation*. London, Routledge, the Open University.
- Wyn. Johanna and White Rob (۱۹۹۷). *Rethinking Youth*. First pub, London, sage pub.